

## سخن مترجم

امروزه، اهمیت ارزشیابی به صورت عام و ارزشیابی آموزشی به صورت خاص بر همگان روشن بوده و کاربرد آن نیز در انواع محیطهای آموزشی به صورت امری رایج در آمده است. در شرایطی که علم آموزش زبان نیز از لحاظ تئوری و عملی وارد مرحله جدی تری در مسیر تحول خود است، شاهد ظهور نظریات و تجربیات فراوانی هستیم که شناخت آنها برای دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری و مدرسین زبان بیش از پیش ضروری است.

در جریان تدریس کتاب حاضر، در چند ترم متوالی، به دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد مشاهده شد که بعضی از مفاهیم و نظریاتی که از ظرافت خاصی برخوردار بوده، به معادل یابی و تفهیم دقیق متن احتیاج دارند. بنابراین در این راستا نیاز به ترجمه آن احساس شد و با همکاری و تأیید سازمان سمت اقدام به ترجمه آن شد. بیان خود را با مثالی روشن می سازم: هنگامی که از مفاهیمی از قبیل عوامل، ملاکها، معیارها و نشانگرهای ارزشیابی صحبت به عمل می آید مشاهده می شود که دانشجویان و مدرسین اظهار می دارند که تفاوت دقیق بین این مفاهیم برایشان کاملاً محسوس نیست. در این خصوص ذکر مفاهیمی چون عامل، ملاک و نشانگر در این کتاب به این صورت آمده است:

برای مثال، عامل به عنصر یا شخص مورد ارزیابی مثلاً عامل دانشجو، استاد، نهاد آموزشی و غیره اطلاق شده است. ملاک از طریق شیوه یاددهی / یادگیری، سرعت یادگیری و غیره و نشانگر از طریق اندازه تأثیر گذاری، نسبت یا میانگین موفقیت در یادگیری به واسطه تجربه استاد یا تلاش دانشجو و غیره تعیین می شود. در ضمن در تفاوت بین معیار ارزشیابی و ملاک ارزشیابی به این نکته اشاره می کنیم که معیار

به صورت یک برنامه رسمی، استاندارد و بخشنامه‌ای است، اما ملاک را مدرس و گاهی مدیریت یک نهاد آموزشی تعیین می‌کند. تفاوت ظریف‌تری هم بین این دو مفهوم وجود دارد که واژه ارزشیابی قبل از مفاهیم معیاری و ملاکی قرار می‌گیرد. به عنوان مثال ارزشیابی معیاری به منظور بررسی نتایج و مقایسه آن با یک مجموعه هم‌سطح است، اما ارزشیابی ملاکی برای تعیین این میزان در رسیدن به یک هدف از قبل تعیین شده نزد دانشجویان می‌باشد. بنابراین با وجود طرح چنین مطالبی در کتاب حاضر که به دقت بررسی شده‌اند، ترجمه و چاپ این کتاب می‌تواند مفید واقع شود. ذکر این نکته لازم است که مترجم با توجه به موقعیت، واژه «ارزشیابی یادگیرها» را که عنوان اصلی بوده، در مواردی با توجه به مفهوم مورد نیاز «ارزشیابی مهارت و ارتباط زبانی» معنی کرده که بیشتر به محتوای کتاب نزدیک است. همچنین برای واژه زبان دوم که هم شامل زبان خارجی و هم زبان دوم غیر خارجی است در این کتاب، زبان خارجی معنی شده است و از واژه زبان آموز در اکثر موارد به جای دانشجوی، محصل و یادگیرنده استفاده شده است و از واژه مدرس به جای استاد و معلم استفاده شده است. محتوای این کتاب برای همه دانشجویان رشته‌های آموزش زبانهای خارجی در مقاطع فوق لیسانس و دکتری و نیز برای مدرسین و محققین کاملاً قابل استفاده است.

دکتر روح‌الله رحمتیان

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس

## پیشگفتار

هدف این کتاب فراهم نمودن زمینه‌هایی در جهت توسعه یا تعمیق مستمر اقدامات ارزیابی است، که ارزش یا اهمیت «آموزشی» ارزشیابی دانش و مهارت‌های ارتباطی را در رویکرد ارتباطی یاددهی زبانهای خارجی یا زبان دوم نشان می‌دهند.

این اثر در پی آن است تا نشان دهد ارزشیابی آموزشی به خودی خود هدف نیست، بلکه بر پایه اقدامی مبتنی است که باید در طول روند یاددهی مدرس و فرایند یادگیری زبان آموز در فعالیتهای آموزشی گنجانده شود.

بدون انجام ارزشیابی و بدون دانستن اینکه آیا، واقعاً یادگیری وجود دارد و اگر وجود دارد میزان این یادگیریها تا چه اندازه است، نمی‌توان دانش زبانی و مهارت‌های ارتباطی مختلف را به زبان آموزان انتقال داد. اندازه‌گیری، ارزشیابی و تصمیم‌گیری اقداماتی هستند که اهمیت اجتماعی و اداری آنها بر مسیر تحصیلی و مقصد هر یک از زبان آموزان تأثیر می‌گذارد. با توجه به چنین دورنمایی، ارزشیابی دانش و مهارت‌های ارتباطی زبان نمی‌تواند به حال خود رها شود و بدون برنامه‌ریزی میسر نمی‌باشد. باید در مورد اقداماتی که انجام می‌دهیم تأمل نموده، از خود پرسیم:

• چرا ارزشیابی کنیم؟

• چه چیزی را ارزشیابی کنیم؟

• چه زمانی ارزشیابی کنیم؟

• چگونه ارزشیابی کنیم؟

کتاب حاضر بر اهمیت ارزشیابی آموزشی با اهداف یادگیری تأکید می‌نماید و از طریق اقدامات ملموس و عملی به بررسی اندازه‌گیری و ارزشیابی بازدهی تحصیلی در یک زبان خارجی یا زبان دوم می‌پردازد. این اثر همچنین سعی دارد

ابزاری برای بازبینی و شفاف‌سازی اصطلاحات گوناگونی باشد که در ارزشیابی یک روند یاددهی/ یادگیری مبتنی بر محور توسعه ارتباطی مترادف هستند یا ارزش یکسانی دارند. این کتاب چند نمونه موقعیت استفاده از ارزشیابی چهار مهارت ارتباطی زبان را ارائه می‌دهد: درک شفاهی، درک نوشتاری، تولید نوشتاری و ارتباط شفاهی. همچنین راههایی را برای تهیه ابزار اندازه‌گیری ارائه می‌نماید که این مهارت‌ها را در هم تلفیق نموده، و جداولی را برای قضاوت در مورد تناسب موقعیتهای ارزشیابی موجود بر حسب یک رویکرد ارتباطی عرضه می‌کند.

در نهایت خواننده را به تأمل در قبال اقداماتش دعوت می‌کند و امیدوار است که خواننده روند ارزشیابی را یاد بگیرد، و آن را در مورد روند یاددهی/ یادگیری به کار بندد، از جمله:

- مفاهیمی که با هرگونه تصمیم‌گیری در ارزشیابی یادگیری دانش‌زبانی و مهارت‌های ارتباطی مرتبط هستند کدام‌اند؟
  - چگونه باید به ارزشیابی اقدام نمود تا عدالت را در مورد زبان‌آموزان برقرار کرد و میزان توانایی‌شان را به آنها نشان داد؟
  - چگونه توسعه مهارت‌ها را در رویکرد ارتباطی ارزشیابی کنیم؟
- با اتکا بر شیوه‌های ارزشیابی پیشنهاد شده و نمونه‌هایی که در این کتاب ارائه می‌شوند، از خواننده دعوت می‌شود تا به این سؤالات بیندیشد.

## مقدمه را با یک اقدام خودارزشیابی آغاز می‌کنیم

در یادگیری یک زبان خارجی یا زبان دوم، مانند سایر حوزه‌های علمی دیگر، تحقیقات جدید و اخیر موجب غنی‌تر شدن نظریه‌های قدیمی شده‌اند و نظریه‌های جدید با گذشت زمان گسترش می‌یابند. هدف هر علمی در واقع پیشبرد سطح شناخت است. به همین دلیل، از چند سال پیش، تعریف دقیق‌تر برخی از مفاهیم، به انتقال دانش (در زبان‌شناسی، روان‌شناسی زبان و جامعه‌شناسی زبان) به حوزه یاددهی/یادگیری زبانها انجامیده است. بنابراین، چنین جابه‌جایی‌هایی نمی‌توانند بدون ایجاد تغییر در حوزه آموزش و یاددهی، بدون ایجاد تغییر در فرایند یادگیری و در نتیجه بدون تغییر در روشهای ارزشیابی شکل بگیرند. در چنین بافتی، نقش مدرس بسیار مهم جلوه می‌نماید. به همین دلیل، ما به بهینه‌سازی و زیرسؤال بردن برخی از اقدامات یا اعتقادات در مورد هر آنچه به ارزشیابی یادگیری مربوط می‌شود فرا خوانده می‌شویم.

در عصری که فن آموزش زبان به رویکرد ارتباطی متوسل شده است، به شما یک برگه خودارزیابی عرضه می‌کنیم تا در مورد اقداماتی که در ارزشیابی انجام می‌شود تأمل کنید.

برگه خودارزیابی از سه ستون تشکیل شده است که الف) موقعیتهای ارزشیابی در یک رویکرد ارتباطی، ب) اجرای ارزشیابی و ج) مفاهیم ارزشیابی آموزشی را دربر می‌گیرند. با توجه به نقش خودارزیابی این برگه که کنترل بیرونی را در نظر نمی‌گیرد، نیازی به بیان این مطلب نیست که هیچ یک از گفته‌ها حقه‌های غلط‌انداز ارائه نمی‌کنند. این برگه صرفاً دانسته‌ها و تواناییهای مرتبط با دانش و کارایی مدرس در خصوص ارزیابی دانش و مهارتها در زبان خارجی یا زبان دوم را هدف قرار می‌دهد.

در ستون‌های الف و ب، برگه خودارزیابی درجه‌بندی ارزیابی بر اساس بسامد کاربرد گنجانده شده است. برای هر یک از گفته‌های زیر، شما مدرس گرامی باید نقطه‌چینها را با یکی از حروف یا کلمات زیر جایگزین کنید: (ه) برای هرگز، (ن) برای ندرتاً و در صورت امکان، (غ) برای غالباً و (د) دائماً یا عموماً.

الف) موقعیتهای ارزشیابی در یک رویکرد ارتباطی

۱. من در موقعیتهای ارزشیابی مهارت برقراری ارتباط را نسبت به به کارگیری ساختارها ترجیح می‌دهم (نمی‌دهم).

هرگز  ندرتاً  غالباً  دائماً

۲. من در موقعیتهای ارزشیابی مهارت‌های درک و تولید زبان را لحاظ می‌نمایم (نمی‌نمایم).

هرگز  ندرتاً  غالباً  دائماً

۳. من موقعیتهای ارزشیابی را به شیوه‌ای طراحی می‌نمایم که شامل قرار گرفتن در موقعیت موجه باشد (نباشد).

هرگز  ندرتاً  غالباً  دائماً

۴. موقعیتهای ارزشیابی که من انجام می‌دهم شامل تکلیفی است که زبان‌آموز باید انجام دهد (ندهد).

هرگز  ندرتاً  غالباً  دائماً

۵. من موقعیتهای ارزشیابی را بر اساس موضوعات واقعی یا تجربیات زبان‌آموزان تهیه می‌نمایم (نمی‌نمایم).

هرگز  ندرتاً  غالباً  دائماً

ب) اجرای ارزشیابی

۱. من با هدف ارتقای کیفیت یاددهی ارزشیابی می‌کنم.

بله  خیر

۲. من با هدف اصلاح استراتژیهای یاددهی خودم ارزشیابی می‌کنم.

بله  خیر

۳. من با هدف پی بردن به مشکلاتی که زبان‌آموزان در طول یادگیری با آن مواجه هستند و برای تدارک یک برنامه یاددهی اصلاحی مناسب ارزشیابی می‌کنم.

بله  خیر

۴. من با هدف پی بردن به اینکه آیا زبان‌آموزان دانش و مهارتهای لازم را برای شروع مرحله جدیدی از یادگیری کسب نموده‌اند ارزشیابی می‌کنم.

بله  خیر

۵. من با هدف آگاه کردن هر چه بیشتر زبان‌آموزان نسبت به میزان دسترسی به اهداف یادگیری مورد نظر ارزشیابی می‌کنم.

بله  خیر

۶. من با هدف تصمیم‌گیریهای درست در مورد آنچه به ارتقای زبان‌آموزان به کلاس بالاتر مربوط می‌شود ارزشیابی می‌کنم.

بله  خیر

ج) مفاهیم ارزشیابی آموزشی

در ستون ج می‌توان با بله (ب) یا با خیر (خ) جواب داد و تعریف خاص خودتان را از مفاهیم ذکر شده ارائه دهید.

۱. من دانش و مهارتهای ارتباطی زبان‌آموزان حوزه ارزشیابی تکوینی را از دانش و مهارتهای ارتباطی زبان‌آموزان حوزه ارزشیابی پایانی متمایز می‌کنم.

بله  خیر

- ارزشیابی تکوینی

- ارزشیابی پایانی

۲. من بین خصوصیات یک رویکرد ملاک‌شده و خصوصیات یک رویکرد هنجارشده تمایز قائل می‌شوم.

بله  خیر

- رویکرد ملاکی

- رویکرد هنجاری

۳. من مراحل اندازه‌گیری، قضاوت و تصمیم‌گیری مرتبط با هر گونه اقدام ارزشیابی را از هم متمایز می‌کنم.

بله  خیر

- اندازه‌گیری

- قضاوت

- تصمیم‌گیری

۴. من می‌توانم تمام مؤلفه‌های یک موقعیت ارزشیابی را مشخص کنم.

بله  خیر

۵. من مراحل مختلف تدوین ابزار اندازه‌گیری را می‌شناسم.

بله  خیر

ایده‌ای که اساس شروع این تأمل است می‌خواهد نشان دهد که ارزشیابی آموزشی به خودی خود یک هدف نیست، که فقط با نمره مشخص شود، بلکه ارزشیابی آموزشی می‌خواهد بسیار جامع‌تر باشد و در هر گونه روند یاددهی و یادگیری وجود داشته باشد. یعنی باید نوعی توازن بین یاددهی، یادگیری و ارزشیابی وجود داشته باشد. بنابراین لازم است بدانیم چه چیزی را یاد می‌دهیم تا بدانیم چه چیزی را ارزشیابی می‌کنیم. همچنین باید بدانیم چگونه یاد می‌دهیم تا بدانیم چگونه ارزشیابی کنیم. ارزشیابی دانش و مهارت‌های ارتباطی زبان نمی‌تواند خارج از این بافت یعنی خارج از بافت فعالیت آموزشی تعریف شود.